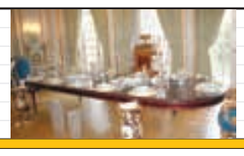

پروژه بازسازی محوطه کاخ اشرف آغاز شد

مسئول موزه ظروف سلطنتی گفت: پروژه عمرانی بازسازی و تعمیر محوطه اختصاصی کاخ اشرف (موزه ظروف سلطنتی) در بخش نمای شمالی این موزه آغاز شد. به گزارش ایرنا، شیرین شعبانی اظهار کرد: در سال های اخیر و پیش از انتقال مسئولیت کاخ اشرف به سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، تغییرات غیر اصولی و غیر علمی در محوطه شمالی این کاخ از جمله: سنگفرش کردن فضا بدون زیر سازی صحیح و اصولی، باغچه سازی، کاشت گل و گیاه و درختچه در نزدیک عمارت و آبیاری هر روزه انجام گرفت که باعث فرو کش کردن کف زمین این محوطه شد.

گزارشی از جلسه نقد و بررسی کتاب طنز «کبریت کم خطر» در مشهد

آشتی با طنز با کبریت کم خطر!

محمد بهبودی نیا

کتاب «کبریت کم خطر» گزیده نثر و داستان طنز ۹۰ طنزپرداز که انتشارات سوره مهر در ۸۰۰ صفحه با کاریکاتورهایی از پروا کارخانه و به کوشش علیرضا لبش (شاعر و طنزپرداز) چاپ کرده است، در مشهد نقد شد. جلسه نقد و بررسی این کتاب عصر دوشنبه گذشته با اجرای قاسم رفیعا از سلسله نشست های «درپناه کلمات» در کتاب فروشی «به نشر» مشهد و با حضور ناصر فیض، اسماعیل امینی و مجید رحمانی صانع برگزار شد.

■ جای خالی آثار طنز جوانان

در ابتدای این جلسه، علیرضا لبش، گردآورنده این کتاب گفت: وقتی شنیدم که این انتشارات قرار است با هدف خدمت به طنز، کتاب «کبریت کم خطر» را که انتشارات دیگری (انتشارات سوره مهر) چاپ کرده است، در قالب جلسه ای به مخاطبان معرفی کند، بسیار خوشحال و شگفت زده شدم، زیرا این کار تا امروز انجام نشده بود و انتشارات ها تنها به چاپ آثار خود می پرداختند.

درباره کتاب «کبریت کم خطر» باید به این نکته اشاره کنم که اولویت بنده در جمع آوری آثار این بود که به گردآوری آثار نویسندگانی بپردازم که پس از انقلاب آثاری را خلق کرده اند. این تصمیم به این علت بود که دوستانی از بنده درباره کتاب های کامل و جامعی در حیطه طنز سوال می کردند و وقتی بنده کتاب ها را در ذهنم مرور می کردم، جای یک کتاب جامع در این زمینه را در ادبیات همیشه خالی می دیدم؛ چرا که با معیارهایی که در ذهنم داشتم، تا امروز کتاب های بسیار کمی تألیف شده است. البته در همان آثاری هم که به صورت جامع تر به طنز پرداخته شده، جای خالی آثار شاعران جوان به خوبی ملموس است و بنده با این ذهنیت وارد مرحله گردآوری این آثار شدم. در ابتدا، برای ایجاد فضایی متفاوت، زندگی نامه ها را به صورت طنزآمیز نوشتم و همزمان سعی کردم بهترین آثار نویسندگانی را که انتخاب کرده بودم، جمع آوری کنم. البته تا امروز متوجه اشکالاتی در کتاب شده ام و قصد دارم در ویرایش های بعدی، در هر دوره اشکالات کتاب را برطرف کنم و از طرفی با هر بار تجدید چاپ، آثار جدیدی به این کتاب اضافه خواهم کرد.

■ «کبریت کم خطر» مجموعه ای از طنز فاخر

ناصر فیض در این جلسه، درباره این کتاب گفت: متأسفانه ارائه طنزهای دم دستی و گنجاندن برخی مسائل که با فرهنگ ایرانی و اخلاقی ما غریبه است، در آثار طنز باعث شده است که نگاه برخی مسئولان به برگزاری جلسات طنز تغییر کند. در صورتی که با نگاه به آثار فاخر طنز به این نکته می رسیم که حتی می توانیم طنز را با نگاه دینی نیز ارائه دهیم. کتاب منتشر شده که پیش روی شماست، با نگاه و دقت ریزبینانه ای که به این موضوعات داشته، گردآوری و چاپ شده است و در اصل این کتاب قصد دارد مخاطبان را با روح اصلی طنز آشتی دهد.

ناصر فیض خاطرنشان کرد: این کتاب قصد دارد شانه به شانه فرهنگ ایرانی اسلامی قدم بزند و نه تنها آن را تخریب نکند بلکه اتفاقات فرهنگی قابل توجهی را در این زمینه ها به وجود آورد. بسیاری از نویسندگان این کتاب در سال های مختلف آثاری را تولید کرده اند و می توان به این کتاب به چشم جریان شعری در قالب طنز نگریست و از طرفی به اعتقاد بنده، این کتاب می تواند یک مجموعه آموزشی مناسب برای معرفی به کسانی باشد که قصد آموزش دیدن طنزنویسی صحیح را دارند. البته نقایصی در این کتاب وجود دارد اما بدون شک این کتاب سلیقه مخاطب را در طنز آن قدر بالا می برد که بعد از این اگر کتاب ضعیفی در حوزه طنز منتشر شود، دیده نخواهد شد. قطعا وقتی پشت یک کتاب کسی باشد که خود تجربه نوشتن در حوزه طنز حرفه ای را دارد، همین انتظار از این کتاب می رود و نه انتظار دیگری.

■ اصلاح جامعه یکی از وظایف طنز است

دکتر اسماعیل امینی دیگر طنزپردازی بود که درباره این کتاب به سخنرانی پرداخت. وی گفت: طنز از گذشته های دور در بین مردم ما رواج داشته است و ما با بررسی در رفتار پیامبران و امامان، شاهد استقبال این بزرگواران از طنز هستیم که در دین ما از آن به خوشرویی و خنده رویی یاد شده است؛ اما متأسفانه برخی امروز طنزپردازان را افرادی جدا مانده از دین معرفی می کنند. من متعجبم که این عده چگونه می توانند با این گفتار، سیره بزرگان را که همان خوشرویی است، زیر سوال ببرند. مسلما ما نیز با طنزهای خالی از تفکر و طنزهایی که بیشتر شبیه لودگی است، مخالفیم و طرفدار طنزهای اخلاقی و مطابق با فرهنگ دینی و ملی مان هستیم. بنده در این زمینه کتاب «ذوق لطیف ایرانی» را به شما معرفی می کنم.

این استاد دانشگاه افزود: کار طنز نمایاندن مسائل منفی در رفتار بشری است. برای عبرت گرفتن افراد جامعه، نه این که به اشخاص و افراد حمله کند، این نکته با تمسخر دیگران متفاوت است. طنزپرداز ملتزم به اخلاق و انسانیت است. متأسفانه به تازگی رادیو و تلویزیون به سمت کنار زدن پوشش های اخلاقی و انسانی هستند. دکتر اسماعیل امینی در ادامه، به چگونگی آشنایی اش با علیرضا لبش اشاره کرد و گفت: در دورانی که بنده با عمران صلاحی در مجله گل آقا همکار بودم، تعداد زیادی از نوجوانان برای این مجله نامه می نوشتند و عمران صلاحی که در طنز، فرد بسیار سخت گیری بود، هر از گاهی که با متنی جذاب در حیطه طنز روبه رو می شد، با اشتیاق آن مطلب را با صدای بلند برای همکارانمان می خواند و بعد از شناسایی، با آن ها تماس می گرفت و به آن ها طنز صحیح را آموزش می داد که علیرضا لبش یکی از آن هاست.

■ اوج و فرودهای این کتاب

سخنران بعدی جلسه نقد کتاب «کبریت کم خطر»، مجید رحمانی صانع از طنزپردازان خراسان بود. رحمانی صانع درباره گردآورنده این کتاب گفت: علیرضا لبش سابقه طولانی در طنزنویسی و فعالیت در این عرصه را دارد که از جمله کتاب های او می توان به آثاری مثل: کافه خنده، کافه عشقه، نسکافه های بعدازظهر، شکرپاش، خنده در مراسم تدفین، مرثیه ای برای گمگشتگی، بی سروته، آخرین زلزله تهران و جدیدترین مجموعه اثر او «کبریت کم خطر» اشاره کرد که همه کتاب ها آثار قابل توجهی است.

رحمانی صانع ادامه داد: مقدمه این کتاب بسیار متفاوت و دوست داشتنی است اما باید به این نکته نیز اشاره کرد که در این کتاب شاهد اوج و فرود زیادی هستیم به طوری که به اعتقاد بنده، آوردن برخی از کارها در این کتاب لطمه های زیادی به اعتبار کتاب می زند. از طرفی، جای برخی از آثار در این کتاب خالی است. به نظر بنده در چاپ های مجدد، اگر آثار ضعیف تر حذف و آثار قدرتمندتر به این کتاب اضافه شود، اتفاق خوشایندی را در «کتاب کبریت کم خطر» شاهد خواهیم بود.

در پایان جلسه، ناصر فیض، دکتر اسماعیل امینی، مجید رحمانی صانع و علیرضا لبش به خوانش چند اثر طنز از خود پرداختند.

حراج قدیمی ترین پرتره خواهران «برونته»

قدیمی ترین پرتره از خواهران نویسنده «برونته» به قیمت ۵۰ هزار پوند چوب حراج می خورد.

به گزارش ایسنا، «تلگراف» نوشت: یک نقاشی از سه خواهر مشهور ادبیات انگلیسی که به اشتباه خریداری شده بود، به قیمت ۵۰ هزار پوند چوب حراج می خورد.

این پرتره را «سر ادوین لندسیر» از «امیلی»، «آن» و «شارلوت برونته» کشیده و یکی از دو پرتره گروهی موجود از این سه خواهر محسوب می شود. «لندسیر» در سال ۱۸۳۳ وقتی این خواهران نویسنده به یورکشایر شمالی رفته بودند، با آن ها ملاقات کرد. او در آن زمان نقاشی جوان بود و هنوز به هنرمند محبوب ملکه ویکتوریا تبدیل نشده بود. تاریخ خلق این اثر به سال ۱۸۳۴ برمی گردد.

در این نقاشی جزئیاتی همچون دندان جلوآمده «امیلی برونته» و دستبندی که دریادگاری های خاندان «برونته» بر جای مانده، به خوبی دیده می شود.

فروشنده ناشناس این اثر، یک دهه پیش برای خرید اثری از یک حراجی اقدام و وقتی برای بردن آن کار مراجعه کرد، به او گفته شد که اثر خریداری شده اش به اشتباه به فرد دیگری داده شده است و او می تواند تابلویی با همان قیمت را که پرتره ای از سه زن است، صاحب شود.

او که آن زمان احساس شکست می کرد، وقتی دید یکی از زنان تصویر شده، کتاب و قلم در دست دارد، همه تلاشش را انجام داد تا به هویت آن ها پی ببرد و متوجه شد این نقاشی نادر سه خواهر «برونته» را نشان می دهد و هزاران پوند ارزش دارد.

خریدار این نقاشی هم که نامی از او فاش نشده، سرمایه گذاری هنری است و قصد دارد پس از بررسی های بیشتر درباره این پرتره تاریخی، آن را به حراج بگذارد.

نقد

به بهانه اولین شب اجرای «اپرای عروسکی خیام»

روایتی جذاب و شنیدنی از زندگی شاعر شوریده

اپرای خیام از برخی جهات اثری متفاوت و رو به جلو در کارنامه غریب پور به حساب می آید، به ویژه پس از دو اپرای پیشین یعنی «حافظ» و «سعدی» که آن چنان که توقع می رفت، نتوانستند خاطره اپرای مولانا را زنده کنند.

به گزارش فارس، پس از گذشت بیش از یک دهه از فعالیت های مستمر و بی وقفه گروه عروسکی آران می توان این گروه هنری را یکی از منسجم ترین گروه های هنری نمایشی در کشور نامید که جایگاهی جهانی نیز دارند. این گروه به سرپرستی بهروز غریب پور در مقام کارگردان، نویسنده و پژوهشگر آخرین اثر خود را به نام اپرای خیام ارائه کرده است. تالار فردوسی یکشنبه شب گذشته، میزبان اولین اجرای این اپرای عروسکی بود.

اپرای خیام پس از اپراهای مولانا، حافظ و سعدی، اپرایی عروسکی است که به طور مستقل و مشخص به یکی از شاعران نامدار و بزرگ ایران زمین می پردازد و زندگی این شاعر روایتگر خط اصلی اپرا است. غریب پور پیش از این به واسطه برخی آثار شاعران بزرگ نیز به داستان های آنان نظیر لیلی و مجنون پرداخته بود و همچنین آثار نمایشی کلاسیکی همچون مکبث هم در کارنامه این کارگردان شاخص به چشم می خورد. اپرای خیام اما از برخی جهات اثری متفاوت و رو به جلو در کارنامه غریب پور به حساب می آید، به ویژه پس از دو اپرای پیشین یعنی حافظ و سعدی که آنچنان که توقع می رفت، نتوانستند خاطره اپرای مولانا را زنده کنند.

اپرای خیام با فرمی کاملا آوانگارد و انتزاعی از لحاظ فرم روایت در آثار غریب پور به شیوه کلاسیک آغاز می شود. با هجوم هواپیماهای نازی و قیل و قال های حاصل از جنگ جهانی دوم و ارتش آلمان نازی؛ چیزی که مخاطب را در همان ابتدای اثر میخکوب می کند و از تصور ذهنی اش در رابطه با اپرای خیام کاملا دور می سازد، در این میان موسیقی پرحجم و توانمند امیر بهزاد در افتتاحیه نمایش نیز این حس را تشدید می کند، چرا که فضای موسیقی دور از قاعده کلاسیک موسیقی ایرانی است و فرمی کاملا تصویری و در خدمت نمایش و فرم دارد. با شنیده شدن صدای قوی و پر طنین محمد معتمدی و حضور عروسک خیام روی صحنه حباب جنگ نازی ها می شکند و روح ایرانی و تاریخ ایران زمین صحنه را تسخیر می کند. اما با حضور موسیقی و پدال ارکستر فرم اثر دوپاره نمی شود و صحنه ها یکی یکی در هم غلت می خورند.

آوازها اغلب از آثار خیام و هم عصران اوست اما کمافی السابق از آثار شاعران دیگر نیز جسته گریخته در کلام شخصیت ها می آید و بیشتر پیوندهای صحنه و بازی های میانی مربوط به نوشته های آهنگین خود غریپ پور است که در عین حال یک دستی اشعار غالب را نیز برهم نمی زند. بحر طویل ها و مونولوگ ها و تک بیت ها طوری کنار مثنوی ها و دوبیتی ها می نشیند که گویی اپرا حاصل قلم شاعران هم عصر خیام یا خود اوست....

به وقایع عصر خیام هر چند کوتاه نگاهی شده است تا نشانی مختصر باشد برای آنان که کمتر خیام و زندگانی و دوره تاریخی اش را می شناسند. جنگ های صلیبی، شورش سلجوقیان، فتح قلعه الموت، قدرت گیری باطنیان و تشکیل دولت اسماعیلیه نزاری توسط حسن صباح همه در متن اپرا حضور دارند بی آنکه هیچ یک نبض داستان را از دستان خیام با آن شوریدگی و سرمستی و در عین حال عقلانیتش بگیرند.

محمد معتمدی با صدایی پخته تر و هوشیارتر از اپرای سعدی می خواند و گرمی صدایش در قامت شیدایی و فیلسوفانه خیام بهتر نشسته است. طراحی های آواز که حاصل تفکر و تجربه اسحاق انور است نشان از تسلط او بر متن و شخصیت خیام و کلامش دارد کما این که در بروشور اثر نیز نام او در جایگاه ویرایشگر متن هم آمده است.

طنین صدای معتمدی از بم ترین کوک صدای او آغاز می شود و در صحنه هایی از نمایش به اوج خود می رسد که بسیار متبحرانه و تکنیکی و در عین حال پرشور و سرمستانه اجرا شده است....

عناصر تصویری جایگاه ویژه ای در روایت اپرای خیام دارند، نمادها و نشانه ها که برآمده از دوبیتی های فیلسوفانه و رندانه خیام است در جای جای پرده های نمایشی به کمک روایت اشعار و موسیقی آمده است و داستان گویی غریب پور را منحصر به فرد می کند. کوزه های شکسته، سیاره های آتشین کوچک و بزرگ، نمادهای منجمی و آینه که در چندین صحنه به صورت مفهومی انتزاعی و روایی به کار گرفته می شود، در بهترین نقاط نمایش در متن و صحنه نمود می کنند.

اما از لحاظ محتوایی باید گفت خیام در اپرای غریب پور خیام شاعر است و به جنبه های علمی او کمتر پرداخته شده است که البته دلیل قانع کننده ای برای پرداخت به این وجه از زندگی خیام نیز می توان متصور شد و آن همه فهم بودن، جذابیت هنر و ادبیات، شهره بودن اشعار و دوبیتی های خیام و جنس تصویری تر آن است و همچنین فلسفه ای که مستتر در ابیات و شخصیت غالب بر آن روایت می شود. مشخصا خیام را نیز در سراسر جهان بیشتر به واسطه دوبیتی های فیلسوفانه اش می شناسند، اما شاید در برخی صحنه ها می طلبید تا وجوهی کمتر دیده شده از خیام را به بهانه حضورش در اپرایی با چنین عظمت ببینیم....

موسیقی

تقدیر از زنده یاد پرویز مشکاتیان در «چند شب تار» با حضور کیهان کلهر

سومین شب از اجرای پروژه «چند شب تار» در حالی با تقدیر از زنده یاد پرویز مشکاتیان همراه شد که کیهان کلهر، نوازنده مطرح موسیقی ایرانی مهمان ویژه این کنسرت بود.

به گزارش ایسنا، به نقل از روابط عمومی موسسه فرهنگی - هنری «نغمه حصار»، تعدادی از نوازندگان تار، دوشنبه شب (۲۶ تیرماه) در قالب سه برنامه مجزا به اجرای شیوه های مختلف تک نوازی تار در تالار رودکی تهران پرداختند. این در حالی است که کیهان کلهر، نوازنده مطرح موسیقی به عنوان مهمان ویژه در این برنامه حضور یافته بود.

بابک راحتی - نوازنده و آهنگ ساز موسیقی ایرانی - که آلبوم های «دلکش» و «گشایش» را منتشر کرده است، اولین نوازنده این اجرا بود. این هنرمند در بخش اول برنامه به اجرای قطعه ای در دستگاه ماهور پرداخت و در بخش دوم نیز قطعه ای به شیوه عهد قاجار را برای علاقه مندان اجرا کرد.

بهزاد رواقی - آهنگ ساز و نوازنده تار و سه تار - که در سال های گذشته در عرصه های مختلف حوزه موسیقی ایرانی فعالیت های مستمری کرده است، دومین نوازنده اجراهای روز سوم پروژه «چند شب تار» بود که در دستگاه نوا به اجرای قطعاتی به شیوه «مکتب تبریز» پرداخت.

این نوازنده در بخش پایانی اجرای خود ضمن گرامیداشت یاد و خاطره پرویز مشکاتیان و معرفی او به عنوان یکی از ستاره های موسیقی ایران، قطعه ای از آلبوم «دود عود» را برای علاقه مندان اجرا و این اثر را به روح این هنرمند فقید تقدیم کرد.

هادی آذرپیرا - مدرس و نوازنده موسیقی ایران - هم که در ماه های گذشته از نوازندگان ثابت گروه کیهان کلهر در کنسرت های ایران بوده است، سومین هنرمندی بود که در بخش آخر کنسرت به اجرای قطعاتی در بیداد، شوشتری و همایون پرداخت.

در طول برپایی پروژه «چند شب» که در هر دوره به یکی از سازهای موسیقی ایرانی اختصاص دارد، تعدادی از هنرمندان منتخب موسیقی کشور با رویکرد تک نوازی، بدون همراهی ساز دیگر به اجرای برنامه می پردازند.

طبق پیش بینی های انجام شده، برگزاری مجموعه برنامه های «چند شب» فقط محدود به برنامه «چند شب تار» نخواهد بود و موسسه فرهنگی - هنری «نغمه حصار» در نظر دارد تا در دوره های بعد با برگزاری برنامه های مختلف در حوزه سازهای ایرانی، موسیقی کلاسیک و موسیقی نواحی، میزبان علاقه مندان به موسیقی ایرانی باشد.

ناگهان شعر

به مناسبت سالروز درگذشت استاد جلال همایی

۱

تاجم نمی فرستی تیغم به سر مزن
مرهم نمی گذاری زخم دگر مزن
مرهم نمی نهی به جراحت نمک مپاش
نوشم نمی دهی به دلم نشتر مزن
بر فرق اوفتاده به نخوت لگد مکوب
سنگ ستم به طایر بی بال و پر مزن
بر نامه امید فقیران قلم مکش
بر ریشه حیات ضعیفان تبر مزن
گیرم تو خود ز مردم صاحب نظر نه ای
از طعنه، تیر بر دل صاحب نظر مزن
تا کم خوری لگد ز خر و سرزنش ز خار
گو سبزه از زمین و گل از شاخ سر مزن

۲

پایان شب سخن سرایی
می گفت ز سوز دل همایی
مرگ آخته تیغ بر گلویم
من مست هوا و آرزویم
آزرده تنی فسرده جانی
در پوست کشیده استخوانی
نه طاقت رفتن و نه خفتن
نه حال شنیدن و نه گفتن
فریاد کزین رباط کهگل
جان می کنم و نمی کنم دل
مانده است دمی و آرزوساز
من وعده سال می دهم باز
در سینه به تنگ گشته انفاس
از فربهی ام نشانه آماس
جز وهم محال پرورم نیست
می میرم و مرگ باورم نیست

۳

دور پیری رسیده است و مرا
سستی طبع و ضعف حال بود
قامتم تیر بود و گشت کمان
تیر را در کمان زوال بود
رفته ام پای خسته تا لب گور
باز برگشتنم زوال بود
شاخص عمرها به وقت زوال
سایه عمر لایزال بود
چشم امید من بهر دو سرای
به خدای و نبی و آل بود

۴

ای علی مرتضی ای آیت حسن القضا
ای که ز اکسیر عنایت خاک ره را زر کنی
آفتاب اولیایی سایه لطف خدا
دوستان را سایبانی در صف محشر کنی
سایه لطف و کرم از دوستداران وامگیر
ای که از داروی احسان چاره مضطر کنی
تشنه کامانیم ای ابر کرامت خوش ببار
تا گلوی خشک ما از آب رحمت تر کنی
تو شفیع مذنبانی و «سنا» غرق گناه
چشم دارم کش شفاعت در بر داور کنی
مدح کس گر گفته ام نعت تو ام کفاره است
بو که زین کفاره ام آسوده از کیفر کنی

۵

برای فردوسی

جلوه عرش است این در گه کلاه از سر بنه
وادی طور است این جا موزه از پایت بکن
مرقد استاد توس است این به خاکش جبهه سای
مدفن فردوسی است این بر زمینش بوسه زن
با درود و با تحیت آستان او ببوس
پس بگو کای در سخن استاد استادان فن
ای ز تو مشکین هوای شعر چون از مشک جیب
ای ز تو رنگین بساط نظم چون از گل چمن
خود "پیمبر" نیستی "لیکن" بود شهنامه ات
آیتی منزل نه کم از معجز "سلوی" و "من"
کی بود هم چند یک در دری از نظم تو
آنچه یاقوت از بدخشان خیزد و در از عدن

۶

برای اصفهان

شما ای که بر خاک من بگذرید
سزد ژَرف در حال من بنگرید
کنونم که امکان گفتار نیست
زبان در دهنم جز آثار نیست
اگر چه نباشد زبانم به کار
ز خاکم شود در از دل آشکار
منم پیکری از هنر ساخته
به عشق هنر عمر در باخته
مرا آرزو بود کاندر جهان
به ایران زمینم سر آید زمان
در ایران از آن جُستم آرامگاه
که تا باز دانند یاران راه
که اندر جهان هر که دانشور است
از این خاک پاکش به سر افسر است
از آن رو سپردم تن ایدر به خاک
که خاکم شود جزء این خاک پاک
گزیدم از ایران زمین اصفهان
جهانی که خوانیش نصف جهان
نهادم بر این تربت پاک سر
که گنجینه دانش است و هنر
زدم خیمه در ساحل زنده رود
که تا جان شود زنده ز آواز رود
در این سرزمین تا بر آسوده ام
سر فخر بر آسمان سوده ام
بود تا به پیشینگان یاد بود
بر آیندگان باد از من درود
چنان کرد باید که در روزگار
ز ما نام نیکو بود یادگار